

«جامعه‌شناسی فرهنگ‌وجامعه‌شناسی خانواده» طرح کرده و رابطه میان شکفاف اجتماعی و شکاف نسلی را به‌طور تجربی بازگو کرده‌ام.

به نظر می‌رسد قسمتی از شکاف نسلی و تغییر و تحولاتی که برای هر نسل نسبت به نسل پیش از خودش اتفاق می‌افتد، جهانی باشد. یعنی در تمام‌دنیا این اختلاف میان دونسل پیاپی که مانع از درک متقابل و فهم یکدیگر می‌شود، وجود داشته‌باشد.

شکاف نسلی در متنی جهانی و ملی ظهور می‌کند. اگر جهان از طریق رسانه، دعوت‌کننده و تشویق‌کننده هر زدن مناسبات اجتماعی و فرهنگی در سطح ملی باشد، شرایط ذهنی شکاف اجتماعی و درنهایت شکاف نسلی ظهور می‌کند. ما شاهد دعوت به ظهور شکاف اجتماعی و نسلی از طریق رسانه‌های جهانی هستیم. این دعوت از طریق طرح انتظارات، ارزش‌ها و شیوه‌های متعدد معارض زندگی صورت می‌گیرد. باطرح مجموعه اشار‌شده،به‌هم‌زیختگی‌ساختاری جوامع در سطح ملی ممکن شده است که حاصل آن مداخله‌گری فرهنگی و اجتماعی است. در آغاز، ایده‌های مطرح شده مطلوب و جذاب است. در ادامه مسیر، از طریق گویای آرایه شده، تشویق به مصرف‌گرایی پیش می‌آید و نظام تولید و مصرف کشورها دچار تغییر می‌شود. در ادامه مسیر، شیوه‌و سبک‌های زندگی مردم مورد چالش قرار می‌گیرد. نحوه

زیست‌اجتماعی، تشکیل خانه و خانواده، نحوه گذران اوقات فراغت و بسیاری از دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی مردم در سطح ملی از طریق رسانه‌های جمعی مورد چالش قرار گرفته که حاصل آن تشدید شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی و درنهایت‌فعال شدن نسل‌های جدیدبرای تخریب‌است. در این مسیر تأکید اصلی بر تمایزات و تعارضات‌بنیادین فرهنگی نسل‌ها می‌شود. رسانه‌های جمعی خارجی سعی می‌کنند تا منابع فکری نسل‌های جدید را متفاوت از نسل‌های گذشته کنند و بر شیوه‌های کاملا جدید و معارض با شیوه‌های زندگی نسل‌های گذشته تأکید کنند. همین‌وضع است که زمینه گسست و تعارض با افراهم می‌سازد. در همین مسیر است که اکثر افراد نسل جدید، منتقد و در نهایت معترض به سابقه فرهنگی جامعه، نهادهای سنتنی و ماندگاری همچون دین و خانواده و بی‌اعتنا به آداب و مناسک اجتماعی سنتی

شده و در پی کسب این امور در جهان مدرن می‌شوند. این وضعیت است که بحران اجتماعی را فراهم‌ساخته و حاصل آن نیز جز فروپاشی اجتماعی نیست.

این شکاف نسلی چگونه پر می‌شود؟ و در مقام مسئول، دولت، خانواده، رسانه و... برای پر کردن این شکاف، چه می‌توان کرد؟

آنچه منشأ کاهش تنش میان نسلی می‌شود، آمادگی نسل‌ها برای ارتباط و سازگاری است. نیروی اصلی کاهش‌دهنده تنش خود نسل‌ها خواهند بود تا نیرویی خارجی. همین‌که نیرویی خارجی از قبیل دولت وارد شود، بر تفاوت‌ها و تعارض‌ها افزوده شده و زمینه گسست، بیشتر خواهد شد. چرا که دولت در این زمینه داعیه و خواست‌های خودش را دارد. تلاش خواهد کرد تا خود را اثبات کند، تا این‌که مانع تعارض نشود. اگر دیگر نهاده‌ا و نیروهای اجتماعی هم وارد شوند، مانع پیوستگی خواهند شد. برای گذار از این وضعیت، وضع تعارض نسلی،

بهترین شیوه، «طبیعی شدن روابط بین نسلی» است. در شرایط طبیعی است که ارتباط میان نسل‌ها ممکن نشده و هر نسل به‌طور مستقل و موثر خواهد توانست در متن نسلی، کنشگری کند. من‌به‌طور خاص به‌تفصیل نسل میانی در سر و سامان دادن به‌روابط نسلی دارد تأکیدمی‌کنم. والدین در این زمینه نقش مهمی دارند. والدینی که در حال حاضر هزینه حمایت از نسل جوان و نسل کهنسال راعهده‌دار شده است، به‌تر می‌تواند شیوه‌های رفع تعارضات را بیابد. در این صورت با حمایت از این نسل است که تنش‌های نسلی کاهش خواهد یافت. در مقابل گروه‌های - خصوصا سیاستمداران- سعی می‌کنند تا با حمایت از نسل جوان یا تخریب نسل جوان فضای نسلی را مدیریت کنند. این‌دو نوع ورود، یعنی «حمایت یا تخریب نسل جوان» موجب رویکرد نامتجانم یافته نسل جدید و همچنین منشأ برخورد و جدایی بین نسلی می‌شود. همان‌طور که در حال حاضر در مدیریت کشور عده‌ای به‌دفاع از نسل پیر اقدام کرده‌اند. نسل پیر جامعه نیازمند حمایت است، اما توان مدیریت جامعه را ندارد. تنها نسلی که این امکان و شرایط را دارد نسلی میانی (والدین) است. به‌نظر من برای سر و سامان دادن جامعه به‌لحاظ نسلی، راهی به جز سیردن امور به نسل میانی نیست. در این مسیر باید به سابقه فرهنگی کرد. او را مورد آموزش مستمر قرار داد تا بتواند در پیوند بین نسلی و ارتقای آن کوشش کند.

مادر جهانی زیست می‌کنیم

که اساسش بر تفاوت و تمایز

است به‌شباهت‌وهمسازی؛

در حالی که در گذشته مردم

در شرایطی زیست می‌کردند

که اساس آن بر شباهت بود.

همه در گذشته بیشتر شیوه‌هم

بودند و مانند هم عمل می‌کردند

تا متفاوت و متمایز از یکدیگر.

جامعه ایران و رسانه‌های خودمان بررسی کنیم به چه رویکردی می‌رسیم؟ تا چه اندازه این شکاف پذیرفته‌شده است؟

در جامعه ما نگاه رسمی انگار در دوران سنت باقی است و هنوز نقش همنوایی‌کننده، یکدست‌کننده و هدایت‌کننده به سمت و سوی خاص را از رسانه‌ها انتظار دارد. حتی در جوامع توسعه یافته هم نگاه رسمی هنوز علاقه دارد این نقش را به رسانه‌ها بدهد. ولی آن قدر رسانه‌ها متکثر هستند که در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد. تفاوت‌ها بیشتر است و امروز پذیرش گونه‌گونی است که باعث می‌شود افراد در تفاوت جوان‌ها نسبت و هویت ملی داشته باشند. در جامعه ما چون این نگاه رسمی وجود دارد و هنوز تقاضا از رسانه‌ها هویت بخشی و یک‌دست کردن است، بازنمایی در فیلم‌های سینمایی می‌شود. همان‌طور که در تفاوت جوان‌ها نسبت به نسل قبل تلقی انحراف می‌شود. یک نمونه خیلی جالب و نسبتا جدید درباره این نگاه در مورد شکاف نسلی که چند پان‌نامه هم روی آن نوشته‌شده، سریال فاصله‌هاست. در این سریال یک پدر معتقد مدام که همسرش فوت کرده و دو پسر دارد، بخشی از دانستن سریال مشکلاتی است که در ارتباط با فرزندانش دارد.

به عنوان سمبل و نماد این تفاوت پدر فکر می‌کند پیش از ازدواج فاصله اجتماعی بین دو جنس باید حفظ شود و بعد از ازدواج می‌تواند رابطه را توسعه دهد. اما پسر فکر می‌کند می‌تواند با جنس مخالف دوست شود فقط برای این‌که مرتب‌تر باشد. تجربه کند-داستان درنهایت به ترتیب پیش می‌رود که پسر از رابطه شکست می‌خورد و سرخورده می‌شود و با این‌که نشان می‌دهد که پدر هم اشتباهاتی داشته اما پسر بعضی‌ها همین‌طورند و عمل مبتنی بر اطلاعات یکسان بود پس ۴۰سال طول می‌کشید تا نسل عوض می‌کرد و همه یک معنا دریافت می‌کردند و آدم‌ها یکسان بزرگ می‌شدند. نقش رسانه یکدست‌سازی بود بنابراین کسانی که بیشتر با رسانه‌ها ارتباط داشتند آدم‌های مقبول‌تری برای جامعه بودند و بهتر می‌دانستند جامعه چه می‌خواهد. اما در دوران تجدد رسانه‌ها متکثر شدند و برایشان جایگزین بیه وجود آمد. هم در سطح ملی ارتباط‌های متفاوتی و گوناگونی در دهر وجود داشتند. تکرار نقش‌های سینمایی متکثر شدند و هم در سطح جهانی. دیگر وقتی از اینترنت گوییم که این تکرر بسیار بیشتر می‌شود و تو خود حدیث مشفق بخوان از این مجمل. بنابر این ما با رسانه خودزای مشکل مواجه می‌شویم. این رسانه‌های جایگزین نمی‌توانند همون‌ا‌کننده باشند چون آدم‌های یکسانی با آنها ارتباط ندارند. گروه‌های ریز و درشت در جامعه است که با رسانه‌های مختلف، پیام‌های مختلف و اندیشه‌های متفاوت را منتقل می‌کنند. تکرر رسانه‌ای نقش مهمی در افزایش شکاف نسلی داشته و دارد. با یک تفاوت در بحث قبلی هم گفتیم، این دیگر انحراف تلقی نمی‌شود و یک ارزش جدیدی به وجود می‌آید به اسم گونه‌گونی. پذیرش تفاوت‌ها و اختلاف‌ها و به بیان دیگر پلورالیسم ما می‌توانیم مثل هم فکر نکنیم ولی با هم رابطه داشته باشیم و کنار هم زندگی کنیم. چون نسل قبلی هم خودش این تفاوت را درک کرده و درگیر شده است. کسی هم، از رسانه‌ها انتظار ندار داعبت یکدستی شود بلکه انتظار می‌رود که نشان دهد چطور می‌توان با تفاوت‌ها کنار آمد. رسانه‌ها شکاف نسلی را افزایش می‌دهند ولی منفی به آن نیستند. رسانه‌های دوران مدرن می‌گویند شکاف نسلی یک واقعیت است که باید با آن کنار آمد نه مشکلی که باید حل شود.

نمی‌افتد.

آنگاه پرسش اینست که در جامعه ما با چه روشی و در دوران سنت یا با چه روشی نهنوز نقش همنوایی‌کننده، یکدست‌کننده و هوادایت‌کننده به سمت و سوی خاص را از رسانه‌ها انتظار دارد. حتی در جوامع توسعه یافته هم نگاه رسمی هنوز علاقه دارد این نقش را به رسانه‌ها بدهد. ولی آن قدر رسانه‌ها متکثر هستند که در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد.

تفاوت‌ها بیشتر است و امروز پذیرش گونه‌گونی است که باعث می‌شود افراد در تفاوت جوان‌ها نسبت و هویت ملی داشته باشند.

در خانواده برمی‌گرداند. این نگاهی است که شکاف نسلی را انحراف تلقی می‌کند. در بعضی رسانه‌های غربی آخر چنین داستانی خانواده‌ها نسل جدید کنار می‌آید و نسل جدید می‌تواند به همان شکل به زندگی ادامه دهد یعنی خانواده تفاوت‌ها را می‌پذیرد و انحراف تلقی نمی‌کند. در فیلم‌های سینمایی وضعان به‌دوران مدرن نزدیک‌تر است. در تلویزیون نگاه از بالا به پایین بیشتر حاکم است. در سینما هم با این‌که به این نگاه نقد شده ولی هنوز به جای نرسیده که بخواهد راه‌حل بدهد و فقط نگاه منتقدان‌های داشته که چرا ما باید تفاوت نسلی را انحراف ببینیم. مثلا فیلم‌های حاخمی کامی مثل آژانس اشکبار چنین نگاهی را دارد. حجاج کلطم که نماد نسل قبل است با پسر خودش تقابل شکل جدید که اواج آن صحنه مع ابتداختن در ژانسن است. پدر در آخرین لحظه پشیمان می‌شود و اجازه می‌دهد پسر بتواند معج او را به خاک بمالد و به این شکل نسل جدید را می‌پذیرد و به او اعتماد به نفس و قدرت می‌دهد. ی‌ادر موج مردم، روزمنده رایتورد که با کشتی امریکایی لنگر انداخته مخالف است و تمام سعی خود را می‌کند که اگر چه نمایین به آن اسپر بندد. او در گذشته خود غرق است و با همان معیارهای خودش این فعالیت را ادامه دهد و پسرش به او می‌گوید تودن کیشوت هستی یعنی در دنیای خیالی داری زندگی می‌کنی. او اصلا تفکرات



.....

فعلی پدر را قبول ندارد و با یک دختر محلی دوست‌است و با او قایق سوار می‌شود و می‌رود دویی. پدر به همسر خود ولی در حقیقت خطاب به مسئولان جامعه‌می‌گوید ما رفتیم جنگیدیم بچه‌هایمان را اسپریدیم دست‌نماها ولی شما چی تحویل ما دادید. از نظر ایش شکاف نسلی انحراف است اما مادر دفاع می‌کند. در فیلم‌هایی مثل اعتراض، آواز قوم، متولد ماه مهر و پارتی شکاف نسلی می‌کند، چنین کارکردهایی را از دست داده است و تنها به یوغی تقلید می‌گیرد. این منشا غریب روضعیات کنونی، بافقر معنایی و کم‌خونی فرهنگی شدید جامعه‌ما مازاداست.

دومین نمود این گسست، چهل‌تکه بودن ساخت هریت نسل سوم می‌باشد. این شییز فرهنگی خندانگار مها، در آشفتگی فرهنگی پیش‌گفته ریشه دارد. بیشتر جوانان نسل سوم، جویندگان هویتی هستند که به «کمی‌از هر چیز» خلاصه می‌شود. بنابراین موزاییکی که این روزها زیاده از خیابان‌های شهرهای ایران دیده می‌شود، مسلمانانی ایرانی و شیعه‌است، که لباسی غربی بر تن دارند، غذاهای ایلیایی می‌خورند و سلیقه هنری شان به سلیقه‌استان امریکاشباهندارد!

بعضی‌ها همین‌برنامه‌های بینندوبعضی‌هاگزینشی نسلی را انحراف تلقی می‌کند. در بعضی رسانه‌های غربی آخر چنین داستانی خانواده‌ها نسل جدید کنار می‌آید و نسل جدید می‌تواند به همان شکل به زندگی ادامه دهد یعنی خانواده تفاوت‌ها را می‌پذیرد و انحراف تلقی نمی‌کند. در فیلم‌های سینمایی وضعان به‌دوران مدرن نزدیک‌تر است. در تلویزیون نگاه از بالا به پایین بیشتر حاکم است. در سینما هم با این‌که به این نگاه نقد شده ولی هنوز به جای نرسیده که بخواهد راه‌حل بدهد و فقط نگاه منتقدان‌های داشته که چرا ما باید تفاوت نسلی را انحراف ببینیم. مثلا فیلم‌های حاخمی کامی مثل آژانس اشکبار چنین نگاهی را دارد. حجاج کلطم که نماد نسل قبل است با پسر خودش تقابل شکل جدید که اواج آن صحنه مع ابتداختن در ژانسن است. پدر در آخرین لحظه پشیمان می‌شود و اجازه می‌دهد پسر بتواند معج او را به خاک بمالد و به این شکل نسل جدید را می‌پذیرد و به او اعتماد به نفس و قدرت می‌دهد. ی‌ادر موج مردم، روزمنده رایتورد که با کشتی امریکایی لنگر انداخته مخالف است و تمام سعی خود را می‌کند که اگر چه نمایین به آن اسپر بندد. او در گذشته خود غرق است و با همان معیارهای خودش این فعالیت را ادامه دهد و پسرش به او می‌گوید تودن کیشوت هستی یعنی در دنیای خیالی داری زندگی می‌کنی. او اصلا تفکرات

در نتیجه فرامن‌های تولیدشده در غرب و قواعد و آرمان‌های زندگی مصرفی را از ایشان وام گرفتند، و نسبت به آندوخته‌های فرهنگی نسل دوم - که ناگهجان به‌نظر قبقر و کم‌باه می‌رسند - بیگانه شدند.

ایسن از خودبیگانگی ، محصول پیدایش رقیبی قدرتمند مانند فرهنگ غربی بود که مرجعیت اقتدارگرا و سلطه‌جویانه نسل دومی‌ها را به چالش می‌خواند. نسل دومی‌ها، بسیار دیر به تفاوت ماهوی راهبردهای تبلیغی و شیوه‌های جلب مخاطب این رقیب نیرومند پی بردند و آن زمانی بود که کار از کار گذشته بود و نسل سوم گروه مرجع خود را انتخاب کرده‌بود.

آغاز بحران میان نسل دوم سوم

به این ترتیب، گسست نسل‌ها در میان جوانان و میان‌سالان، شکل بحرانی کنونی‌را به خود گرفت. پسر جوانی که ریش خود را باطرحی غیرمعمول می‌تراشد، نا‌ی شرت‌ دارای عکس دی‌کاپریو را بر تن می‌کند، کافر، ملحد، یا فاسد نیست، بلکه انسانی است که از میان‌گزینه‌های فرهنگی پیش‌راویش، آن‌را که جذاب‌تر و بهتر می‌داند، برگزیده است. این از خودبیگانگی فرهنگ ایرانی‌واشوب‌معنایی درنسل جوان را یابد بیشتر دستاورد نهادهایی دانست که با ادعای فرهنگ‌سازی بومی، زمینه‌منش‌های جامعه ما را به شکلی مدیریت- یا سومدیریت- کردند که در نهایت شبکه‌منش‌های ارزشمند و دیرینه کشورمان تا حدی ضعیف شود که امکان مقابله با این موج اطلاعاتی‌ال‌زدست‌بدهندوار ارایه‌گزینه‌هایی‌جذاب و کارآمد به نسل سوم می‌ها عجز بماند. گسست نسل‌ها، فارغ از آن‌که نتیجه نام‌م کاری‌ها و ناشایستگی‌های کدام نسل و طبقه مدعاست، به بحرانی جدی در فرهنگ کشورمان منتهی‌شده‌است.

نشانه‌های گسست‌نسلی

برجسته‌ترین نشانه گسست نسل‌ها، چنان‌که اشاره شد، تغییر گروه مرجع جوانان و پیروی‌شان از الگوهای غیر بومی است. خوانندگان پاپ، کارگردانان هالی‌وودی، و طراحان لباس اروپایی در میان توده جوانان ایرانی همان قدر نفوذ دارند که اندیشمندان، فلاسفه و نظریه پردازان غربی در دانشگاه‌ها و محافل علمی. استفاده از نماهای غریب بودن - موسیقی، لباس، علایم ظاهری - در میان توده نسل سوم می‌ها، همچون رفتارها و عقاید تقلیدی‌نخبگان‌شان، بیشتر نوعی اعلام حضور کم‌رنگ‌ونواگزی است، تا هویت‌یابی‌ای جدی و سنجیده. به این ترتیب، گروه مرجع جدیدی که نسل سوم می‌ها را شیفته خود کرده است، درست‌شناخته نشده و تنها در حد نماهای اعتباربخشی و یا بعنوان علامت اعتراض اجتماعی وارد استفاده قرار می‌گیرد. این منشا هم در جامعه ایرانی که آن را به شکلی ترجمه شده، ولی شما چی تحویل ما دادید. از نظر ایش شکاف نسلی انحراف است اما مادر دفاع می‌کند. در فیلم‌هایی مثل اعتراض، آواز قوم، متولد ماه مهر و پارتی شکاف نسلی می‌کند، چنین کارکردهایی را از دست داده است و تنها به یوغی تقلید می‌گیرد. این منشا غریب روضعیات کنونی، بافقر معنایی و کم‌خونی فرهنگی شدید جامعه‌ما مازاداست.

دومین نمود این گسست، چهل‌تکه بودن ساخت هریت نسل سوم می‌باشد. این شییز فرهنگی خندانگار مها، در آشفتگی فرهنگی پیش‌گفته ریشه دارد. بیشتر جوانان نسل سوم، جویندگان هویتی هستند که به «کمی‌از هر چیز» خلاصه می‌شود. بنابراین موزاییکی که این روزها زیاده از خیابان‌های شهرهای ایران دیده می‌شود، مسلمانانی ایرانی و شیعه‌است، که لباسی غربی بر تن دارند، غذاهای ایلیایی می‌خورند و سلیقه هنری شان به سلیقه‌استان امریکاشباهندارد!

سومین نمود این گسست نسلی، بحران در ساختار شناختی جوانان است. آشوب معرفتی ناشی از سست شدن اقتدار نهادهای سنتی تعریف‌نوع و مدع، و برسنگینی و کم‌گسنگی شناختی عمیق و انجامیده است که علم‌گرایی افراطی برخی و خرافه پرستی برخی دیگر، از نمودهای بارز آن هستند. رواج فرقه‌های عرفانی رنگارنگ، پیدایش عقاید شبه‌دینی دربار، نظر برهانی علمی، تعمیم‌های عجیب و غریب مفاهیم علمی به حوزه‌های اخلاقی و نش‌ت‌سنجیده سلیقه‌های زیبایی‌شناسانه به حوزه علم، از نشانه‌های این آشفتگی هستند. رواج فال‌بینی و رمالی و سالی و شبک‌های اجتماعی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سی‌دی‌های سراسری‌های رایج دنیا را می‌شناسند. اما تفاوت در این است که اولویت‌هایمان فرق دارد. ممکن است عقاید‌های به استفاده از این برنامه‌ها نداشته‌باشند. بعضی‌ها همین‌برنامه‌های بینندوبعضی‌هاگزینشی نسلی را انحراف تلقی می‌کند. در بعضی رسانه‌های غربی آخر چنین داستانی خانواده‌ها نسل جدید کنار می‌آید و نسل جدید می‌تواند به همان شکل به زندگی ادامه دهد یعنی خانواده تفاوت‌ها را می‌پذیرد و انحراف تلقی نمی‌کند. در فیلم‌های سینمایی وضعان به‌دوران مدرن نزدیک‌تر است. در تلویزیون نگاه از بالا به پایین بیشتر حاکم است. در سینما هم با این‌که به این نگاه نقد شده ولی هنوز به جای نرسیده که بخواهد راه‌حل بدهد و فقط نگاه منتقدان‌های داشته که چرا ما باید تفاوت نسلی را انحراف ببینیم. مثلا فیلم‌های حاخمی کامی مثل آژانس اشکبار چنین نگاهی را دارد. حجاج کلطم که نماد نسل قبل است با پسر خودش تقابل شکل جدید که اواج آن صحنه مع ابتداختن در ژانسن است. پدر در آخرین لحظه پشیمان می‌شود و اجازه می‌دهد پسر بتواند معج او را به خاک بمالد و به این شکل نسل جدید را می‌پذیرد و به او اعتماد به نفس و قدرت می‌دهد. ی‌ادر موج مردم، روزمنده رایتورد که با کشتی امریکایی لنگر انداخته مخالف است و تمام سعی خود را می‌کند که اگر چه نمایین به آن اسپر بندد. او در گذشته خود غرق است و با همان معیارهای خودش این فعالیت را ادامه دهد و پسرش به او می‌گوید تودن کیشوت هستی یعنی در دنیای خیالی داری زندگی می‌کنی. او اصلا تفکرات

ادامه از صفحه ۱۰

لبه مفاک از خودبیگانگی

تنگ‌نظرانه، ومانوی‌از دین و دنیا‌شده است. تصویری که گرایش‌های لذت‌جویانه نسل سوم را در تقابل با ارزش‌های دینی و تلقی‌های خاص دینی بخشی-از ولستانگانه به نسل دوم قرار می‌دهد و به این ترتیب امکان همگرایی ایسن دو گرایش نسلی را از میان می‌برد.

تصویر ایران امروز و مسیرهای پیش‌رو

و این تصویری است که از ایران امروز در پیش چشم داریم. انبوه جمعیتی که از نظر فرهنگی از نسل‌های پیشین خود بریده‌اند و در ضمن بیشترین جمعیت، بالاترین توان‌اشغالی و درخشان‌ترین استعدادها را هم دارا هستند. هویتی چهل‌تکه و نامنسجم که از رقابت نهادهای داخلی و خارجی مدعی فرهنگ‌سازی ریشه گرفته، و از نسل سوم به‌دو نسل دیگر نیز نش‌ت‌کرده است. آنچه می‌تواند به‌عنوان نماد فرهنگ امروز ایران پذیرفته شود، یک علامت سوال بزرگ است. به گمان من، سه‌خط‌راهه و مسیر تحول در پیش‌روی سیستم فرهنگی کشورمان وجود دارد و هر سه‌راه‌نیز نسل سومی‌ها تعیین‌کننده‌است.

مسیر نخست، چیزی است که هر روز با ناباوری و عدم اعتماد به نفس بیشتر، از سوی رسانه‌های رسمی دولتی تبلیغ می‌شود. این راه عبارت‌است از بازگشت تمام جوانان گمراه و فاسد نسل سومی، به ارزشهای مورد علاقه‌نخبگان سیاسی نسل دوم چنین می‌نماید که این خطر‌راهه، با وجود تبلیغات زیادی که در رسانه‌های عمومی به خود اختصاص داده است و هزینه‌های کلانی که برایش صرف می‌شود، مسیر و عبورنابپذیر و بن‌بست باشد. اصولا ایسن فرض که جوانان، گمراه و فاسد و فاقد قدرت تشخیص هستند، از اشتباهی ماهی‌می‌گیرد که در دوهده گذشته همواره وجود داشته‌واشتغالی فرهنگی امروزین ما را هم رقم زده است. تجربه نشان داده که جوانان نسل سومی از نظر دانش و تسلطشان بر فنون مدرن و خرد جمعی حاکم بر دنیا از نسل‌های پیش از خود تکامل یافته‌تر هستند و نه بدلیل گمراهی و فساد، که بنا بر آندانشی فردی و خودجوش، و اگرایی-از ارزش‌های مورد نظر نسل دومی‌ها را برگزیده‌اند. پیشنهاد این مسیر، پاسخی است که در اثر فهمیده نشدن برش ایجاد شده است. به این دلایل چنین می‌نماید که احتمال گزینش این خطر‌راهه از سوی نسل سوم منتفی است. **مسیر دوم، راهی است که بسیاری از کشورهای آسیایی دیگر در گذارشان به مدرنیته از آن گذشتند. این مسیر، ادامه راهی است که تا به حال جوانان کشورمان پیرومند. اگر جوانان همچنان در خلا فرهنگ بومی‌شان شناسوار بمانند و به شکلی منفعل توسط محصولات غربی‌مباران شوند، همان‌واکنشی راشناسا خواهند داد که تا حال نشان‌داده‌اند، و تدریج فرهنگ جهانی مک‌اولهاتی را به‌شکلی سطحی و بازاری جذب خواهند کرد. نتیجه احتمالاً به چیزی شبیه به ترکیه منتهی خواهد شد که با هر معیاری برای فرهنگ نسل سومی‌ها، پیشرفت‌کننده است. متأسفانه باید اعتراف کرد که احتمال طی شدن این مسیر، از همه راه‌های دیگر بیشتر است و تا به حال هم آنچه رخ داده همین غرب‌شدن صوری و سطحی نسل جوان بوده‌است.**

سومین خطر‌راهه، با وجود احتمال اندکی که دارد، انگیزه‌نویسته‌شدن این متن بوده‌است. اگر نخبگان ایرانی، در آفرینش عناصر فرهنگی نیرومند و جهانی کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌توان به بقای هویت بومی‌مان امیدوار بود. در حال حاضر تلاش‌های پرآکنده و جسته و گریخته‌ای برای بازشناسی عناصر فرهنگی بومی ارزشمندان انجام می‌شود و پیشرفت‌های قابل‌توجهی برای استفاده از ابزارهای مدرن فرهنگ‌سازی در جوانان دیده آمده است. اگر بی‌وجدان این تلاش‌ها و در هم‌گره خوردن این فعالیت‌ها در زمینه کم‌پایش‌شوند که قابلیت رقابت با فرهنگ جهانی رسانه‌ای را داشته باشد، می‌